

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش بیست و یکم

۰۱ اپریل ۲۰۱۴

مشى سیاسى در مبارزه رهانیبخش ملی

مشى سیاسى حزب در وظائف سیاسى که کنفرانس گروه های کمونیست تنظیم کرد تجسم یافت. هدف ستراتیژیک حزب برای آن دوره تاریخی که کشور از سر می گذارید چنین تعیین شد:

«پیکار برای استقلال ملی خلق البانی و برای دولت دموکراتیک توده ئی در البانی آزاد از فاشیسم»^۱

تعیین این هدف ستراتیژیک بر اساس تضاد اصلی آنتاگونیستی جامعه آن روز البانی قرار داشت که حل شدنش لازمه بر افتادن موانع تکامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملت بود یعنی تضاد میان خلق و اشغالگران فاشیست. البته تضاد دیگری نیز وجود داشت: تضاد میان توده های خلق و طبقات استثمارگر. ولی تضاد اخیر در آن دوران به صورت تضاد فرعی در آمده بود. در شرایط مشخص آن زمان حل تضاد اخیر امکان پذیر نبود مگر آن که تضاد اصلی آنتاگونیستی حل شود زیرا که مالکان بزرگ ارضی، بیرق داران و بورژوازی ارتجاعی، پایگاه اجتماعی اشغالگران را در کشور البانی تشکیل می دادند. منافع طبقات عمده استثمارگر کشور با منافع اشغالگران فاشیست پیوند نزدیک داشت و عملی ساختن هدف ستراتیژیک حزب ممکن نبود با منافع این طبقات که ایادی ستمگران بیگانه بودند برخورد نداشته باشد.

فاشیست های ایتالیائی در آن دوران استیلاگران مطلق البانی بودند و بالنتیجه دشمنان عمده خلق البانی به شمار می آمدند. اما کلیه کسانی که به اشغالگران پیوسته و در سرکوب خلق البانی به خدمت آنان در آمده بودند خائن و عامل فاشیسم خوانده می شدند و به آنها به همان عنوان اعلان جنگ داده شد که به مهاجمان.

کارگران و دهقانان که سنگین ترین بار رقیب فاشیسم را بر دوش داشتند نیروی عمده ای را تشکیل می دادند که می بایست برای عملی ساختن هدف ستراتیژیک حزب مبارزه کند و بیشتر از هر کس در عملی ساختن آن ذینفع بود. از این جهت حزب یکی از مهترین وظائفی را که باید انجام گیرد، عبارت دانست از:

^۱ - همانجا، صفحه ۲۲

«ایجاد و تقویت وحدت توده های زحمتکش شهری و روستائی در مبارزه»^۲

اما سایر قشر های اجتماعی میهن پرست نیز آرزومند نیل به استقلال ملی بودند. از این جهت حزب نمی توانست آنها را کنار بگذارند و به عنوان وظیفه مقرر داشت که باید به طور خستگی ناپذیر در بسیج آنها کوشید و آنها را در جنبش رهائی بخش ملی وارد کرد.

«با کلیه ناسیونالیست های^۳ که واقعاً خواستار البانی آزادند، با کلیه البانی های شرافتمندی که می خواهند با فاشیسم پیکار کنند، متحد شویم»^۴.

به این طریق طرح جبهه رهائی بخش ملی به میان آمد که می بایست عمیق تر مورد بررسی قرار گیرد و در طی مبارزه شکل معین تر و مشخص تری پیدا کند.

چون پیش بینی می شد که اشغالگران فاشیست و ارتجاع داخلی، کلیه وسائل خود را برای جلوگیری از وحدت مبارزه جوانان خلق البانی به کار خواهد انداخت کفرانس گروه های کمونیست توصیه کرد که کلیه مانور های فاشیسم ایتالیا و دولت کیسلینگ در تفرقه افکنی در جبهه رهائی بخش ملی خلق البانی افشاء و به هم زده شود.

هنگام تأسیس حزب کمونیست هیچ حزب سیاسی ضد فاشیستی که بتواند نماینده منافع بورژوازی و یا طبقه یا قشر دیگری باشد در البانی وجود نداشت. معذک کفرانس از لحاظ اصولی اعلام کرد که هر گاه احزاب سیاسی ضد فاشیستی به وجود آیند کفرانس با همکاری حزب کمونیست با آنها در مسائل سازماندهی مبارزه به ضد اشغالگران موافقت دارد.

کفرانس گروه های کمونیست در مورد رهائی کشور و برقراری دموکراسی توده ئی در البانی بدین نتیجه رسید که یگانه راه صحیحی که نیل به این هدف ها را در شرایط مشخص کشور امکان پذیر می گرداند قیام مسلح به ضد فاشیسم است. کفرانس چنین تصمیم گرفت:

«...آماده ساختن سیاسی و نظامی خلق برای قیام مسلح عمومی، از طریق گرد آوردن کلیه نیروهای میهن پرست و ضد فاشیست در مبارزه»^۵

حزب در عین حال که قیام مسلح عمومی را به مثابه شکل عمده مبارزه انتخاب می کرد از سایر شکل های مبارزه، از اعتصابات، تظاهرات ضد فاشیستی، خرابکاری ها، افشای شفاهی و کتبی دشمنان و غیره غافل نبود. ولی هدف همه این اشکال مبارزه آن بود که خلق را برای قیام مسلح عمومی آماده کند.

سازمان دادن مبارزه مسلح مستلزم آن نیز بود که به هر قیمتی شده به فراهم ساختن نیرو های مسلح، ارتش رهائی بخش ملی مبادرت شود. کفرانس تأکید کرد که بدون ایجاد ارتش توده ئی واقعی که بتواند پیوسته دشمن را بکوبد، دستگاه نظامی و سیاسی او را منهدم سازد قیام مسلح قابل تصور هم نیست، از رهائی کشور، از تحصیل استقلال ملی و از استقرار دولت دموکراتیک توده ئی سخنی هم نمی توان گفت.

در شرایط اشغال البانی و جنگ دوم جهانی، ممکن نبود که قیام مسلح به صورت همگانی و ناگهانی وقوع یابد، ممکن نبود ارتش توده ئی انقلابی دفعتاً به وجود آید. رشد قیام مسلح و ایجاد ارتش رهائی بخش ملی می بایست جریانی را طی کند. این نکته در آنجا به طور روشن به میان آمد که کفرانس یکی از وظائف سیاسی را سازماندهی جنبش پارتیزانی

^۲ همانجا

^۳ عموماً ناسیونالیست به میهن پرستانی گفته می شود که میهن خویش را دوست می داشتند و می خواستند آن را از قید اشغالگران برهاند ولی هدف های آنها برای زمان های دورتر انقلابی نبود. از طرف دیگر میهن پرستان دروغینی که از صفوف مالکان بزرگ ارضی، بیرق داران و بورژوازی ارتجاعی برخاسته بودند نیز خود را ناسیونالیست می خواندند. از این جهت میهن پرستان حقیقی برای آن که با عناصر ارتجاعی و خائنان مشتبّه نشوند خود را «ناسیونالیست های صمیمی» «ناسیونالیست های میهن پرست» نیز می نامیدند.

^۴ قطعه نامه کفرانس گروه های کمونیست. اسناد عمده حزب کار البانی. جلد اول صفحه ۱۲

^۵ همانجا، صفحه ۲۳

یعنی تشکیل واحد های نبرد در شهر و ده به عنوان استخوان بندی ارتش توده ئی آینده و پایه واقعی تدارک قیام عمومی معین کرد.

حزب کمونیست البانی با توجه به هدف ستراتیژیک خودش و شرایط جدیدی که در اثر ورود اتحاد شوروی در جنگ دوم جهانی در اوضاع بین المللی روی داده بود متحدان خارجی خلق البانی را هم مشخص گردانید و معین کرد که چه روشی باید نسبت به آنها اتخاذ شود.

مبارزه رهائیبخش ملی البانی در مقیاس بین المللی بخش تفکیک ناپذیر مبارزه ضد فاشیستی جهانی بود. خلق البانی می بایست با مبارزه خودش در جرگه فعال ترین اعضای ائتلاف بزرگ ضد فاشیستی در آید.

کنفرانس گروه های کمونیست در این زمینه، اتحاد شوروی، انگلستان و امریکا و همه خلق های اسیری را که به ضد دشمن مشترک یعنی فاشیسم المان، ایتالیا و جاپان مبارزه می کردند متحدان خلق البانی در مبارزه رهائیبخش ملی خویش خواند و چنین وظیفه داد: پیوستن مبارزه رهائیبخش ملی البانی به مبارزه عظیم ضد فاشیستی جهانی.

حزب، ائتلاف اتحاد شوروی را با انگلستان و امریکا کاملاً بدرستی ارزیابی کرد و گفت که این ائتلافی است نظامی که به مقتضای شرایط موجود به منظور رهائی جهان از خطر اسارت فاشیستی منعقد شده است. حزب در عین حال ارزیابی های گوناگونی از یکایک متحدان به دست داد و روش های گوناگونی نسبت به هر یک از آنها مقرر داشت. کمیته مرکزی موقت حزب کمونیست البانی در اعلامیه ای خطاب به خلق البانی چنین گفت:

«ما باید مبارزه رهائیبخش ملی خود را در درجه اول با مبارزه قهرمانانه اتحاد شوروی که پیشاهنگ مبارزه به ضد فاشیسم است، محکم پیوند دهیم.»⁶

حزب کمونیست البانی، اتحاد شوروی را متحد وفادار و صمیمی خلق البانی می دانست، متحدی می دانست که خلق البانی را در استقرار و تحکیم دولت توده ئی در البانی هم یاری خواهد کرد، و حال آن که انگلستان و امریکا فقط متحدان موقت بودند در مبارزه به ضد دول فاشیستی.

کنفرانس گروه های کمونیست برای ایجاد حزب، «اهتمام برای عملی ساختن پیوند با اتحاد شوروی» را به مثابه وظیفه معین کرد و در این زمینه مقرر داشت که نقش پیشاهنگ اتحاد شوروی به ضد فاشیسم و در عین حال پیروزی های بزرگ وی در ساختمان سوسیالیسم تبلیغ شود.

«بسط دوستی و همکاری مبارزه جویانه نزدیک خلق البانی با کلیه خلق های بالکان و به ویژه خلق های صربی، یونانی، مونتگروئی و مقدونی» که به مبارزه رهائی بخش ضد فاشیستی بر خاسته بودند نیز از تصمیمات کنفرانس بود. کنفرانس اظهار اطمینان کرد که حزب کمونیست جدید، وضع ناسالمی را که در نهضت کمونیستی البانی وجود دارد بیدرنگ مرتفع خواهد ساخت، در صفوف مقدم مبارزه رهائی بخش ملی و اجتماعی جای خواهد گرفت و از عهده ایفای وظائف بزرگ تاریخی که در این مبارزه به او به مثابه رهبر خلق البانی محول گردیده است، بر خواهد آمد.

اهمیت تاریخی کنفرانس گروه های کمونیست در آن است که حزب کمونیست البانی را به عنوان حزب انقلابی مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر، به عنوان حزب طراز نوین بنیاد نهاد.

کنفرانس مذکور حزب را با برنامه سیاسی روشن مجهز ساخت که جوابگوی مطالبات و اراده توده های وسیع خلق و کشور و مطابق موازین سوسیالیسم بود. البته این برنامه هنوز کامل نبود و وظائفی که مقرر می داشت در جزئیات تنظیم نشده بود زیرا که این امر به تجارب بیشتر در کار و مبارزه انقلابی حزب و توده های خلق احتیاج داشت ولی برنامه بر مبنای علمی مارکسیستی - لنینیستی استوار بود.

⁶ - نخستین اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی. نومبر ۱۹۴۱. اسناد عمده حزب کمونیست البانی. جلد اول، صفحه ۲۷.

نتایج کنفرانس از پیروزی مارکسیسم – لنینیسم بر ترتسکیسم و اپورتونیسم در نهضت کارگری و کمونیستی البانی حکایت می کرد.

حزب کمونیست البانی در عین حال که در درجه اول نماینده منافع طبقه کارگر موظف به دفاع از منافع طبقه کارگر بود به دفاع از منافع کلیه توده های زحمتکش و خلق اسیر نیز پرداخت. از این جهت تأسیس حزب کمونیست البانی پیروزی بزرگ خلق البانی بود.

بنابر کلیه این دلایل، کنفرانس گروه های کمونیست، اهمیت کنگره مؤسسان را داشت.

ادامه دارد...